

## بررسی عوامل تحقق شادکامی اجتماعی در حکومت حضرت

ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف \*

رضا موحد<sup>۱</sup>

مصطفی صالحی<sup>۲</sup>

### چکیده

شادکامی یکی از نیازهای اساسی انسان است و نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او بازی می‌کند و از مهم‌ترین اهداف همه‌ی ایدئولوژی‌ها و نظام‌های سیاسی اجتماعی بشر به شمار می‌آمده است. این نوشتار با هدف معرفی نظام اجتماعی حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان نظام شادکام و سعادت‌بخش بشری، با بررسی حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات، قرآن و ادله عقلی و بررسی عوامل شادکامی از نگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، با شیوه توصیفی تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای وجود عوامل تحقق شادکامی اجتماعی در حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات می‌کند. بر این اساس بعد از ذکر تعاریف شادکامی، مقبولیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عدالت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، دین‌داری، تأمین نیازها، امید به آینده و رضایت عمومی به عنوان عوامل شادکامی اجتماعی در حکومت امام عصر بیان می‌شوند.

### واژگان کلیدی

شادکامی، مهدویت، جامعه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حکومت دینی، نشاط.

### مقدمه

شادکامی از حیاتی‌ترین مؤلفه‌های زندگی بشر است و جزء شاخصه‌های توسعه جوامع در نگاه سازمان ملل می‌باشد. اگر جامعه‌ای اعضای آن، احساس شادکامی نداشته باشند آن جامعه توسعه یافته نمی‌باشد. راسکین جامعه‌شناس مشهور، تأکید می‌کند ثروتمندترین جوامع، جامعه‌ای است که بیشترین افراد شادکام را زیر بال خود داشته باشد (خسروی و چراغ ملایی، ۱۳۹۱: ۸). احساس شادکامی در زندگی اگر چه تا حد زیادی بستگی به شرایط فردی

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۹

۱. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران (نویسنده مسئول) (bashgahesalam92@gmail.com).

۲. سطح چهار تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم، ایران (Salehim716@gmail.com).

دارد، اما تأثیر عوامل اجتماعی در افزایش و یا کاهش آن بسیار موثر است. جامعه از سویی به وجود آورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هم‌نوعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند مبادرت ورزد. شادکامی ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی می‌باشد که خود نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت انسان نسبت به جهان و محیطی که در آن زندگی می‌کند می‌باشد و سطح پایین شادکامی اجتماعی به گرایش‌های منفی نسبت به جامعه مربوط می‌شود. شاید دلیل عمده آن، وضعیتی است که جامعه برای فرد از جهت تحقق اهداف و ایجاد امنیت ناشی از تحقق آن در پی می‌آورد.

در جوامع پیشرفته صنعتی دولت از جمله اهداف خود را ارتقاء کیفیت زندگی مردم و فراهم آوردن زمینه‌های بهروزی مردم می‌خواند. از همین رو، از اواسط دهه ۱۹۶۰ که بررسی کیفیت زندگی مردم و سنجش میزان احساس خوش‌بختی و شادکامی مردم در این جوامع پا گرفته است، دولت‌ها به صورت جدی از سنجش‌های احساس خوشبختی و شادکامی مردم چه به صورت مقطعی و چه به صورت طولی و سالانه حمایت کرده و در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی خود به یافته‌ها و نتایج تحقیقات تمسک می‌جویند. (ازکمپ، ۱۳۸۵: ۶۶)

و سعی در ایجاد جامعه بانشاط و شادکام دارند اما با این حال نتوانسته‌اند جامعه شادکام و سعادت‌مند شکل بدهند لذا عصر حاضر به عصر استرس و اضطراب شناخته شده است. ممکن است در یک جامعه افرادی با فکر و اندیشه صحیح و عملکرد درست برای خود شادکامی ایجاد کنند. اما شادکامی در سطح وسیع و گسترده برای کل جامعه مستلزم وجود رهبر عالم و تحول آفرین می‌باشد (بزرگی و زارعان، ۱۳۹۹) که آگاهی عمیق به کل جامعه و الزامات، اقتضانات و نیازهای آن داشته باشد که این مهم را محقق کند و عوامل و مؤلفه‌های آن باید بر مبناهایی هم‌چون توحید و معاد باوری باشد که همه آنها به طور کامل ایجاد شود. لذا در این پژوهش ما در صدد آن هستیم که با شیوه توصیفی تحلیلی و به صورت کتاب‌خانه‌ای ثابت کنیم همه عوامل شادکامی اجتماعی در حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد.

### پیشینه

از آن جایی که شادکام زیستن از دغدغه‌های دیرین بشر بوده بحث و گفتگو پیرامون آن قدمتی طولانی دارد اندیشمندانی هم‌چون سقراط در کتاب پروتاگوراس، افلاطون در تئاتتوس،

ارسطو در اخلاق نیکو ماخوس و متفکران اسلامی هم چون کندی در کتاب الکندی فیلسوف بزرگ جهان اسلام نوشته یوحنا قمیر، فارابی در التنبیه علی سبیل السعاده، ابن سینا در اشارات، غزالی در کیمیای سعادت، مسکوی در تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق و خواجه نصیر در اخلاق ناصری درباره شادکامی و سعادت سخن رانده‌اند. (موحد، ۱۴۰۰: ۳۴)

در سال‌های اخیر تعدادی کتاب و پژوهش‌های تجربی متنوع و متعددی در قالب مقاله و پایان‌نامه در مورد شادکامی، شادی و نشاط اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن با رویکردهای مختلف انجام گردیده است. اما در خصوص شادکامی اجتماعی در حکومت حضرت ولی عصر پژوهشی صورت نگرفته است.

محمدی منفرد و کاکاوند (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «ماهیت و مؤلفه‌های شادکامی در آموزه مهدویت با تأکید بر عنصر امید» بر این باور است که در اندیشه مهدویت، جنسی از شادی و نشاط وجود دارد که با شادی و نشاط امروزی متفاوت است. هزار جریبی جعفر و صفری شال رضا (۱۳۸۹) در پژوهشی تجربی و میدانی دیگر با عنوان «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» عواملی هم چون امید به آینده، ارضای نیازهای عاطفی، عدم محرومیت، احساس مقبولیت اجتماعی را از عوامل شادکامی اجتماعی بر می‌شمارد. غلامرضا خوش‌نیت (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «نقش روابط اجتماعی در شادکامی از دیدگاه قرآن حدیث» ثابت می‌کند که روابط اجتماعی آثاری هم چون پاسخ به احساس تنهایی، غم زدایی، گرفتار ترس و وحشت نشدن، محبوبیت، امید، هم‌دلی، هم‌فکری، عزت نفس را به همراه دارد که همگی این‌ها در بالا بردن سطح شادکامی افراد نقش به‌سزایی دارند. فاطمه گلابی و نازیلا اخشی (۱۳۹۴) در پژوهشی تجربی میدانی تحت عنوان «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی» ثابت کرده‌اند که مشارکت اجتماعی تأثیر معناداری بر نشاط اجتماعی دارد. ملکی راد و عبدی (۱۳۹۶) در پژوهشی «با عنوان دست‌آوردی‌های اجتماعی حکومت امام مهدی» بیان داشته‌اند که انسجام و هم‌بستگی اجتماعی، نظم اجتماعی، هویت اجتماعی و امنیت اجتماعی از دستاوردهای اجتماعی حکومت امام مهدی علیه السلام می‌باشند. پژوهش‌های انجام شده یا عوامل شادکامی اجتماعی یا یک عامل شادکامی را صرفاً از نگاه جامعه‌شناختی بررسی کرده‌اند یا یک عامل با نگاه دینی بررسی شده یا عوامل شادکامی در جوامع دارای اندیشه مهدوی نه خود حکومت مهدوی را بررسی کرده اما عوامل در جامعه عصر ظهور مورد بررسی قرار نگرفته است یا صرفاً به دستاوردهای حکومت مهدوی پرداخته شده است و نقش آن دستاوردها بر شادکامی اجتماعی بررسی نگردیده است. لذا پژوهش ما که بررسی تحقق عوامل

شادکامی اجتماعی در حکومت امام عصر می‌باشد کاملاً نو بوده و مورد بررسی قرار نگرفته است.

### ادبیات نظری تحقیق

شادکامی دارای دو جنبه فردی و اجتماعی می‌باشد که هر دو تأثیر قابل توجهی در شادکامی انسان دارند. از نگاه روان‌شناختی از آنجا که انسان موجود نیازمندی می‌باشد تأمین آنها به انسان احساس رضایت و شادکامی می‌دهد. در این زمینه می‌توان به نظریه لذت‌گرایی، تأمین خواسته و... اشاره کرد و از نگاه جامعه‌شناسی به نظریه‌هایی که به مقایسه اجتماعی و انسجام اجتماعی اشاره دارند مانند محرومیت نسبی می‌توان پرداخت.

نظریه یادگیری اجتماعی، مبنای این تئوری می‌تواند بر این اصل استوار باشد که شادکامی اجتماعی، کنش اجتماعی می‌باشد که از طریق فرایندهای اجتماعی، تولید و باز تولید گرفته می‌شود در این تئوری بر نقش یادگیری مشاهده‌ای تأکید می‌شود. با توجه به اینکه شادکامی امری فردی و اجتماعی است. در بعد اجتماعی بودن آن، جامعه می‌تواند آن را تولید و باز تولید کند و فرد آن را در جامعه کسب کند و بخشی از رفتارهای با نشاط از مشاهده رفتارهای با نشاط و بروز هیجانات مثبت از دیگران فرا می‌گیریم. طبق این تئوری تا حدودی می‌توان شادکامی را از دیگران فرا گرفت و شاد زیستن را یاد گرفت و به دیگران یاد داد. (مختاری، ۱۳۸۹: ۸۲)

تئوری روابط و فعالیت‌های اجتماعی: طبق این تئوری افراد برون‌گرا، شاد هستند زیرا دارای مهارت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی برتر هستند. لذت بخشی روابط اجتماعی یکی از دلایل عمده رضایت از فراغت و تفریح است که آنها را در یک خلق مثبت قرار می‌دهد و افراد به دنبال فعالیت اجتماعی بیشتری بر می‌آیند. بین شادکامی و معاشرت رابطه نزدیکی وجود دارد. احتمالاً علت آن می‌تواند ناشی از تعلق به دیگران و رفع نیازهای اجتماعی از جمله مورد حمایت عاطفی دیگران قرار گرفتن باشد. (زیبایی، ۱۳۹۱: ۳۹)

تئوری بی‌هنجاری دورکیم، دورکیم مفهوم آنومی و بی‌هنجاری را در دوسطح فردی و اجتماعی به کار برده است. آنومی در سطح اجتماع نشانگر نوعی اختلال، اغتشاش و بی‌هنجاری در نظام جمعی است که در آن احساسات فرد با توجه به سیستم اجتماعی سنجیده می‌شود. زمانی که توازن اجتماعی وجود ندارد فرد فاقد وسیله لازم جهت تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای مقرر و هم‌چنین فاقد احساس حمایت جمعی و پشتیبانی اجتماعی است. در چنین حالتی فرد ممکن است دست به رفتاری نابهنجار زده و در نهایت خود را از عضویت جامعه خلع کند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۷)

دیدگاه اختلال رابطه حوزه اجتماعی چلبی، در این دیدگاه روابط گرم یا روابط با صبغه عاطفی مثبت، پایه و مایه اجتماع و جامعه است. پایه هر نظم اجتماعی حتی در جوامع مدرن عاطفه است و این ریشه در وابستگی عاطفی به جمع (احساس عضویت) و روابط عاطفی در جمع دارد. کم و کیف روابط عاطفی و آرایش آنها در جامعه تا حد قابل ملاحظه‌ای چند و چون نظم اجتماعی و اخلاق اجتماعی را مشخص می‌سازد در صورتی که به هر دلیل روابط گرم در جامعه به سردی گراید و احساس تعلق کنش‌گران به جامعه سست شود به همان نسبت نیز اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌شوند. همچنین باعث انزوای اجتماعی، یأس فکری، احساس تنهایی و احساس ناتوانی افراد می‌شود. (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۵۷)

دیدگاه بی‌سازمان اجتماعی، در این دیدگاه جامعه چنان کل یکپارچه‌ای تلقی می‌شود که میان اجزاء شکل‌دهنده آن در شرایط عادی همسازی و تعادل برقرار است. در چنین شرایطی نظم برقرار است و هنجارها و قوانین از کارآیی برخوردارند و از سوی افراد مراعات می‌شوند. در این جامعه مسائل و بحران‌های اجتماعی وجود ندارد اگر هم وجود دارند مساله‌ساز نیستند. اما جامعه جدید پیوسته در معرض تغییرات و تحولات است. با اختراعات و اکتشافات فنی، صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت هر روز جامعه در معرض دگرگونی قرار می‌گیرد. این احتمال وجود که نظم و سازمان اجتماعی دچار عدم تعادل شود. خصوصاً اگر تغییرات زندگی شهری زیاد و سریع باشد و در پی آن ایجاد شرایط نابسامانی و بحران‌های اجتماعی از انواع مختلف آن جامعه را تهدید می‌کند. هرچه شدت این بی‌سازمانی زیادتر باشد با هنجارشکنی، بی‌قانونی، بحران‌های روحی و اختلال در روابط اجتماعی گسترده‌تر خواهد بود. در شرایطی که قانون و مقررات و هنجارها بی‌اعتبار شوند افراد جامعه نیز مأیوس تر و ناشادتر خواهند شد و خشونت در روابط اجتماعی جریان می‌یابد. (معیدفر، ۱۳۸۵: ۳۳۹)

نظریه برابری، به نحو مؤثری مبانی انگیزشی و رفتاری انسان را مورد توجه قرار می‌دهد. اساس این نظریه مبتنی بر ادراک فرد از شغل خود بوده و چگونگی رفتار او را در برابر سازمان بیان می‌کند. بنابر این نظریه هر فرد خصوصیات و قابلیت‌هایی چون تجربه و تبحر، تحصیلات، هوش، استعداد، سن، و سوابق کاری را با خود به سازمان یا محیط زندگی و فعالیت خود می‌آورد و در مقابل انتظار دارد سازمان یا محیط بیرون نیز متناسب با این خصوصیات مزایا و پاداش‌هایی را در اختیارش قرار دهد. چنان‌چه شخص احساس کند بین این دو دسته عوامل نوعی برابری و هم‌پایگی وجود دارد باعث ایجاد آرامش و رضایت در او خواهد شد. (جی. اس.

آدمز، نقل از هزار جریبی، (۱۳۸۸)

نظریه محرومیت نسبی: بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آنها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست دچار احساس محرومیت نسبی شده و این امر باعث بروز نارضایتی و احساس کسالت و عدم شادکامی در دو سطح فردی و اجتماعی می‌شود. (تدگار، ۱۳۷۳؛ نقل از هزار جریبی، ۱۳۸۸)

بررسی ادبیات نظری شادکامی اجتماعی آشکار می‌سازد که دیدگاه‌های مختلف، هر کدام به یک یا چند جنبه از این مسأله پرداخته‌اند و بخشی از واقعیت آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و از منظر خاص به مسأله شادکامی اجتماعی پرداخته‌اند. برای تدوین چهارچوب نظری انتخابی باید اشاره داشت که شادکامی تعاریف و مفاهیم متعدد فلسفی، اجتماعی و انسانی دارد که به طور کلی ناشی از چگونگی داوری درباره نحو گذران زندگی است. این نوع داوری از بیرون به فرد تحمیل نمی‌شود، بلکه حالتی است درونی که از هیجان‌های مثبت تأثیر می‌پذیرد بر این اساس شادکامی بر نگرش و جهان بینی و ادراکات شخصی مبتنی است و به حالتی اشارت دارد که مطبوع و دلپذیر است و از تجربه هیجان‌های مثبت و خشنودی از زندگی نشأت می‌گیرد. (هیلز و آرجیل، ۲۰۰۱؛ نقل از هزار جریبی، ۱۳۸۹) طبعاً چنین حالت خوشایندی با فقدان افسردگی، اضطراب، پرخاش‌گری و سایر هیجان‌های منفی همراه است. که احساس شادکامی مولد انرژی، شور، حرکت و پویای است و هم‌چون سپری می‌تواند آدمی را در برابر استرس‌ها و مشکلات محافظت نموده و سلامت جسمی و روانی او را تضمین کند.

## مفهوم‌شناسی

### شادی

شادی در لغت به معنای شادمانی، بهجت و سرور است. (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱۷۵۷) در تعریف آن از مفاهیم خوش و خرم، تازگی، طراوت، شادمانی، سرزندگی، خرسندی، استفاده شده است. (معین، ۱۳۷۱: ۸۵۸)

واژه شادی در قرآن با واژگانی مثل، فرح، بهجه، بطر و سرور آمده است. فرح شادی دل ناشی از لذت دنیاست و اغلب درباره لذت و خوشی‌های دنیوی و بدنی استفاده می‌شود. (راغب، ۱۴۱۲: ۶۲۸)

## بهجت

بهجت به معنای زیبایی رنگ و ظهور و بروز شادی است (همان: ۱۴۸) و بطر به معنای شیفتگی و سرگردانی ناشی از سوء استفاده از نعمت‌ها، سرمستی و شادی از ثروت دنیا است. (همان: ۱۲۹)

## نشاط

نشاط به معنای شادمانی، خوشی و سبکی است. (معین، ۱۳۷۱: ۴۷۲۹) در تعریف ماده نشط، از دو واژه اهتزاز و حرکت استفاده می‌شود و نشاط حالتی شناخته شده در انسان است که به دلیل وجود اهتزاز و حرکت چنین واژه‌ای برای بیان آن انتخاب می‌شود. در توصیف این حالت از واژه تفتح نیز استفاده می‌شود که به معنای گشودگی و انبساط نفس است. (ابن فارس، ۱۴۱۸: ۹۵۴) هم چنین در تعریف آن از اصطلاح طیب النفس نیز استفاده می‌شود و بر اساس آن، ماده نشط به معنای آمادگی و سرزندگی نفس برای انجام دادن کار و مانند آن می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۶، ۲۳۷) بنابراین نشاط حالتی از برانگیختگی، هیجان، سبک‌بالی، بسط نفس، گشودگی و سرزندگی روحی و روانی است که در عمل، موجب تحرک و پویایی انسان می‌گردد و ضد خمودگی، سنگینی و بی‌حالی، قبض نفس، و کسالت روحی و روانی است که به رکود و ایستایی می‌انجامد. (پسندیده، ۱۳۹۳: ۵۸)

## سعادت

سعادت در لغت به معنای خیر و سرور و میمنت می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۳: ج ۶، ۲۶۴) و به معنای هم‌یاری امور الهی با انسان، برای رسیدن به خیر نیز می‌باشد که ضد شقاوت است و به همین جهت مساعدت معنای معاونت می‌دهد؛ یعنی معاونت برای کسب آن چه مایه سعادت است. (راغب، ۱۴۱۲: ۴۱۰)

سعادت در اصطلاح عبارت است از هر امر مثبت رغبت‌آوری که پایدار و سرور آور باشد. سعادت سه پایه اساسی دارد به لحاظ ماهیت از امور خوب و مثبتی است که هیچ شر و بدی در آن نیست و برای انسان رغبت‌آور است. هیچ انسانی نیست که سعادت را در شر و بدی بداند. تفاوت موجود در مکتب‌ها، در تعریف خیر و تعیین مصداق آن است. سعادت به لحاظ زمان پایدار و با دوام است نه لحظه‌ای و مقطعی، و به لحاظ هیجانی سرور آور و شاد کننده است و موجب خوش حالی فرد می‌گردد نه غم و حسرت. از آن جا که سعادت با خیر پایدار سرو کار دارد حتماً به سروری پایدار نیز می‌انجامد. اگر اموری موجب لذت آنی شوند و انسان را در

لحظه حال شاد و خوش حال کنند، اما وی را به اندوه پایدار آینده دچار سازند، نمی‌توانند جزئی از سعادت به شمار روند. سعادت معادل واژه شادکامی در روان‌شناسی می‌باشد با این تفاوت که سعادت در معارف دینی دارای دو سطح دنیوی و اخروی می‌باشد. در واقع سعادت دو رکن دارد که عبارتند از خیر و سرور؛ یعنی زندگی مبتنی بر خیر که همراه با سرور باشد. شادکامی اسلامی نیز دو مؤلفه دارد که عبارتند از رضامندی و نشاط، رضامندی بر خیر بودن تقدیر استوار است و سرور بر لذت و شادی استوار می‌باشد. (پسندیده، ۱۳۹۳: ۲۹)

### شادکامی

روان‌شناسان درباره معنی این واژه کمتر سخن گفته‌اند و بیشتر به مؤلفه‌ها و عوامل آن پرداخته‌اند. شادکامی یعنی احساسات مثبت زیاد، رضایت بالا از زندگی و احساسات منفی نادر داشتن (لیبومیرسکی و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۱۲) (شایع‌ترین و پرکاربردترین معنای شادکامی است که معنای برگزیده ما در این تحقیق نیز می‌باشد). گاهی گفته می‌شود مفهوم شادکامی مبهم و اسرارآمیز است. اما روشن است که بیشتر مردم به خوبی می‌دانند که شادکامی چیست. در زمینه‌یابی‌ها که از مردم درباره شادکامی سؤال شده، پاسخ داده‌اند که غالباً شادکامی عبارت است از بودن در حالت خوشحالی و سرور یا دیگر هیجان‌های مثبت، یا عبارت است از راضی بودن از زندگی خود (آرگیل، ۱۳۸۳: ۱۴) و گاهی گفته می‌شود شادکامی عبارت است از چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی، این نوع داوری متاثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر سبک تبیین، قضاوت و تصمیم‌گیری او اثر می‌گذارد. شادکامی یکی از ابعاد اصلی تجربه بوده و معمولاً در پی ایجاد پاسخ‌های مطلوب است که کارکرد مناسبی به جای می‌گذارند. (دینر و سلیگمن، ۲۰۰۲: ۸۱)

### تفاوت شادی، نشاط و شادکامی

در تفاوت بین شادی و نشاط گفته شده است که: شادی یک هیجان انبساط با تظاهرات بیرونی و زودگذر است اما نشاط یک احساس انبساط و شادمانی درونی پایدار و با دوام است. شادی همیشه با هیجان‌های لبخند و خنده و حرکت همراه است اما در نشاط احساس سرور لزوماً با خنده همراه نیست ولی احساسی است که موجب لذت فرد می‌شود (طباطبایی نسب، ۱۳۹۹: ۲) خوشی‌ها و شادی‌ها ناظر به سطح جسمی و جنسی هستند، مثل لذت‌هایی که افراد از خوردن غذا، شنا کردن در آب، رفتن به طبیعت و امثال آن می‌برند، اما نشاط را به شادی‌های روانی و روحی و شادهای درونی و باطنی مربوط دانسته‌اند، مثل نشاطی که از



احساس مادری یا از احساس پدری به یک مادر یا پدر دست می‌دهد و یا نشاطی که از موفقیت در انجام یک کار به دست می‌آید این سطح از شادی از سطح قبلی پیشرفته‌تر است هرچند هنوز تا رسیدن به شادی سطح انسانی فاصله دارد. شادکامی، شادهای های متعالی است که بالاتر از نشاط است. شادکامی مقامی بالاتر از نشاط دارد زیرا در حقیقت حالت عاطفی مخصوص حاصله برای شخص پس از موفقیت‌های واقعی و نیل به هدف‌هایش می‌باشد. شخص شادکام آدمی است که با بدست آوردن هدف‌هایش در زندگی احساس رضایت خاطر و کمال می‌کند. بنابراین یک درجه بالاتر از نشاط است زیرا در حقیقت مثلا، لذت مادی گذران است همان طور که لذت موفقیت نیز در گذر است ولی شخص شادکام به علت احساس رضایت خاطر عمیق و دائمی خود همیشه آرامش خاطر دارد روی این اصل شادکامی با شخصیت حقیقی آدمی و کمال واقعی شخصیت او ارتباط کامل دارد. شادکامی در حقیقت یک حالت روحی نیست بلکه یک فعالیت روانی، یعنی راه مخصوص پیشرفت بطرف تشخص واقعیت است. بنابراین درجا زدن به کلی مغایر شادکامی است. (فیلد، ۱۳۷۴: ۱۴۷)

#### عوامل تحقق شادکامی اجتماعی در حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

از برترین ویژگی‌ها حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شادکامی اجتماعی در حد کمال مطلوب جامعه و به اندازه ظرفیت و توان این دنیا می‌باشد که این از شاخصه‌های جامعه تکامل یافته مهدوی بوده که انسان به تکامل فکری، اخلاقی، اجتماعی و معنوی بنا به وعده ادیان الهی خواهد رسید. در نتیجه آن هرآن چه که موجب درد و رنج و ایجاد احساسات منفی در زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌باشد از بین می‌رود و متعاقب آن مجموعه عواملی که در انسان ایجاد احساس مثبت، رضایت از زندگی، سعادت و شادکامی اجتماعی می‌کند فراهم خواهد شد.

در این نوشتار از آن جایی که شادکامی از اهداف اصلی زندگی می‌باشد و اندیشمندان هم عواملی برای آن متذکر شده‌اند، چگونگی تحقق شادکامی در حکومت امام عصر و عوامل آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم و به تحلیل آن‌ها می‌پردازیم.

#### مقبولیت اجتماعی

براساس رویکرد ترکیبی و تحلیلی مقبولیت اجتماعی متشکل از دو جزء مقبول و اجتماع می‌باشد. مقبول در لغت به معنای پذیرفته شده، به اجابت رسیده، قبول شده (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲۷۸۲) و دل پسند، مطلوب، مطبوع، ستوده، پسندیده، و پذیرفتنی می‌باشد (عمید، ۱۳۶۴:

۱۸۳۶) اجتماع به معنای گرد هم آمدن و جمع شدن (دهخدا، ۱۳۹۰: ۹۲؛ معین، ۱۳۸۶: ۱۷۸) و به هم پیوستن گروهی از مردم که در یک جا جمع شده باشند (عمید، ۱۳۶۴: ۸۴) آمده است. مقبولیت اجتماعی صفت شخصیتی است که با قابلیت فرد در اجتماع یا ارتباطات بین فردی تعبیر می‌شود که با پذیرش اجتماعی، تأیید اجتماعی، وضعیت اجتماعی، میزان رهبری یا هر کیفیتی که فرد را از نظر اجتماعی مقبول می‌سازد، ارتباط دارد. (مارلو کراون، ۱۹۶۰؛ نقل از بیجنوند و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۱) مقبولیت اجتماعی بیان‌گر ارزش، احترام و منزلتی است که برای یک فرد از سوی خانواده و جامعه در نظر گرفته می‌شود. (آلدرو اسمیت، ۱۹۸۹: ۵۶؛ نقل از رسولی، ۱۳۹۶: ۶۲) در جامعه شناسی سیاسی گفته می‌شود مقبولیت اجتماعی از قدرت و تسلط شخص بر دیگران، به دلیل داشتن مشروعیت از یک سو و تأیید این مشروعیت از سوی دیگر به دست می‌آید. مقبولیت اجتماعی جزء در احترام، باور، اعتبار، و اعتماد دیگران وجود خارجی پیدا نمی‌کند و تا زمانی که باور دیگران را به همراه نداشته باشد نمی‌تواند دوام بیاورد. (شویره و نونتین، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

بر اساس نظرات علمی یکی از عوامل شادکامی اجتماعی مقبولیت اجتماعی می‌باشد. الیزابت هارک معتقد است شادکامی مثلثی است با سه عامل محبوبیت، مقبولیت و موفقیت، یعنی انسان شادکام انسانی است که روحش پر از دوستی با دیگران باشد. مطمئن باشد که دیگران دوستش دارند و او نیز به دیگران علاقه مند باشد از طرف دیگر انسان برای شادکامی باید مقبولیت نیز داشته باشد و این مقبولیت چیزی غیر از محبوبیت است. برای مثال ممکن است شما کسی را دوست داشته باشید، اما مسئولیتی اجتماعی به او ندهید. مقبولیت بیشتر در ارتباط اجتماعی و در پذیرفتن مشارکت‌های اجتماعی مطرح می‌شود. بُعد دیگر هم موفقیت در کار است. در مجموع این سه عنصر شادکامی به همراه می‌آورند، و در عین حال، خود این عوامل نیز بر یکدیگر اثر می‌گذارند. (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۹) پژوهش‌گران مقبولیت اجتماعی را در، مورد احترام و تکریم قرار گرفتن، مورد افتخار واقع شدن، مورد مشورت قرار گرفتن و داشتن ظاهر و لباس مقبول دیگران می‌دانند. (گویه‌های سنجش مقبولیت اجتماعی) (هزار جریبی، ۱۳۸۹: ۲۰) احترام از نیازهای اساسی انسان است که بر طبق نظریه شادکامی سلسله مراتب نیاز مازلو، تأمین آن باعث افزایش شادکامی انسان می‌شود و از جهت دیگر مورد افتخار و مشورت واقع شدن، باعث ایجاد احساس ارزش مندی و عزت در انسان خواهد بود که نقش زیادی در ایجاد شادکامی دارد و از سوی دیگر احساس مقبولیت داشتن نزد دیگران باعث افزایش امید به آینده می‌شود که با افزایش آن شادکامی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

(هزارجریبی و صفری شال، ۱۳۸۹: ۳۷)

از ویژگی‌های برجسته حکومت امام عصر، انس الفت و برادری عمیق بین افراد جامعه خواهد بود و افراد هم‌دیگر را با جان دل می‌پذیرند چنان‌چه که در صدر اسلام در واقعه هجرت پیامبر از مکه به مدینه، انصار با آغوش باز مهاجرین را پذیرفتند. اساساً عدم پذیرش دیگران به خاطر احساس برتری در اسلام مورد نهی و مذمت قرار گرفته «چهره بر هم کشید و روی برتافت»<sup>۱</sup> که این پذیرش و مقبولیت نقش فراوانی در ایجاد شادکامی در انسان خواهد داشت.

در حکومت امام عصر این مقبولیت در سایه ایجاد باورها، ارزش‌ها و اهداف مشترکی می‌باشد که امام عصر در جامعه ایجاد خواهد کرد. وجود جهان‌بینی واحد در جامعه، باعث ایجاد هویت مشترک در افراد جامعه خواهد شد مردم هم‌دیگر را و همه افراد را از خود و متعلق به خود می‌بینند. چنان‌چه که امروزه ما اگر در جمعی قرار گیریم که بدانیم نظام ارزشی آنها با نظام ارزشی ما متفاوت خواهد بود نسبت به آنها احساس بیگانگی خواهیم داشت و دچار احساسات منفی خواهیم شد. اما در حکومت امام عصر در سایه حاکمیت توحید، و در سایه اعتقاد به اصول و مبانی اخلاقی و رفتاری مشترک، احساس تعلق عمومی نمود و ظهور ویژه‌ای دارد که نقش به‌سزایی در ایجاد شادکامی اجتماعی دارد.

در حکومت حضرت ولی عصر افراد جامعه با دوستی، برادری، صفا و صمیمیت با هم‌دیگر زندگی خواهند کرد. در وصف این شاخصه حکومت حضرت ولی عصر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام القائم جائت المزامله؛

هنگامی که قائم قیام کند رفاقت و دوستی خالصانه (درمیان مردم) رایج می‌شود.  
(حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۵، ۱۲۱)<sup>۲</sup>

مزامله: رفاقت و دوستی خالص است. «زامله: ای صار عدیله علی البعیر: با او رفاقت و دوستی کرد، یعنی هم‌سان او شد در نشستن در یک طرف کجاوه» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲۷۳۵ به نقل از منتهی الارب) این روابط اجتماعی مبتنی بر دوستی و برادری به گونه‌ای است که امیر مومنان علی علیه السلام در وصفش می‌فرماید:

إذا قام القائم جائت المزامله؛

۱. «عبس\* و تولى ان جاءه الاعمى» (عبس: ۱-۲).  
۲. إذا قام القائم جائت المزامله.

چون قائم ما قیام کند کینه از دل‌ها بیرون رود. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۱۵)

سیدابن طاووس در کتاب سعدالسعود می‌گوید در صحف ادربیس نبی نوشته است:

والقی الرأفة و الرحمة بینهم فیتواسون... ولا یعلوا بعضهم بعضا و یرحم الکبیر الصغیر؛  
در میان عموم مردم مهربانی و رحمت برقرار می‌شود و در سایه آن مواسات و هم‌یاری  
می‌کنند... و بر یکدیگری برتری طلبی ندارند، بزرگ‌تر به کوچک‌تر رحمت (عطوفت و  
مهربانی) می‌ورزد. (ابن طاووس، بی‌تا: ۲۷، ح ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۸۵)

این روایات به خوبی مشخص می‌کنند در حکومت حضرت امام عصر مردم به چنان رشد  
فکری، عاطفی و ایمانی می‌رسند که من و تو از میان می‌رود، صفا و صمیمیت و برادری بین  
مردم عمیق می‌شود. کینه و کدورت و دشمنی وجود ندارد که باعث ایجاد فاصله و عدم  
پذیرش مردم از یکدیگر شود چرا که بدیهی است وقتی در جامعه‌ای روابط اجتماعی دوستانه و  
صمیمانه بین افراد جامعه وجود داشته باشد مقبولیت و پذیرش اجتماعی افراد جامعه نیز وجود  
دارد چرا که معنی ندارد بین افراد جامعه دوستی و صمیمیت وجود داشته باشد اما پذیرای  
هم‌دیگر و مقبول هم‌دیگر نباشند، و از سوی دیگر در اثر ظلم و ستم فراوان و سرخوردگی و نا  
امیدی جوامع بشری و وعده تخلف ناپذیر انبیاء الهی، جامعه بشریت تشنه و مشتاق ظهور و  
وجود حضرتش خواهد شد به گونه‌ای که حدیفه از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند:

انه لا یخرج حتی لایکون غائب احب الی الناس منه مما یلقون من الشر؛  
به درستی که مهدی موعود قیام نمی‌کند تا زمانی که هیچ غایبی نزد مردم محبوب‌تر  
از وی نباشد و این به خاطر شرارت‌ها و ناروایی‌های است که مردم دیده‌اند. (مقدسی  
شافعی، ۱۴۲۴: ۹۴)

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

یاوی الی المهدی امته کما تأوی النحل الی یعسوبها؛  
مردم مهدی را احاطه می‌کنند همان‌طور که زنبور عسل ملکه خود را احاطه می‌کند.  
(السیوطی، ۱۴۲۴: ج ۲، ۹۳)

لذا حضرت از محبوبیت فراگیر برخوردار خواهد بود لذا وقتی ظهور می‌کند از اقبال عمومی و  
جهانی برخوردار خواهد شد و حکومتش مقبول همگان می‌باشد. که در وصفش آمده است:

فأتی الناس المهدی و زفوها الیه ما تزف العروس الی زوجها لیله عرسها؛  
مردم گرد مهدی ﷺ جمع می‌شوند و او را مانند عروسی که شب زفاف به سوی

خانه شوهر می‌برند برای حکومت می‌آورند. (کوران، ۱۴۱۱: ۴۷۸)

تعبیر به (زفوها الیه) بیان‌گر مقبولیت و اشتیاق شدید مردم به حضرت حجت و حکومت وی می‌باشد. که نقش بسزایی در شادکامی اجتماعی دارد. چرا که مقبولیت عمومی داشتن رهبری جامعه، معلول عواملی هم چون فراهم کردن فرصت بروز استعدادها، گوش دادن و پرسش‌گری، به عدالت رفتار کردن، به انصاف رفتار کردن با مردم، احساس امنیت روانی دادن به مردم، رابطه انسانی و صمیمانه با مردم داشتن، در دسترس مردم بودن، تقویت احساس تعلق و شایستگی به آحاد جامعه، و آحاد جامعه بهم داشتن، توسعه فرهنگ گفتمان و همکاری و توجه به مردم می‌باشد که اینها نقش زیادی در شادکامی اجتماعی دارند. چنان‌که خداوند در خصوص توجه به مردم خطاب به نبی اکرم ﷺ می‌فرماید:

﴿صل علیهم ان صلاتک سکن لهم﴾ (توبه: ۱۰۳)

برای آنها دعا کن که دعای تو باعث آرامش آنهاست.

که این توجه و دعا کردن و قدردانی پیامبر از آنها در برابر رفتارهای شایسته آنها باعث ایجاد سکینه و آرامش در آنها خواهد بود و که این عوامل از فضایل اخلاقی می‌باشند، رهبر و حاکمی که دارای فضائل اخلاقی باشد باعث گسترش فضائل اخلاقی و رفتارهای مثبت و ارزشمند در جامعه می‌شود که اینها نقش مهمی در ایجاد شادکامی اجتماعی دارند. (آهنچیان و همکاران، ۱۳۹۶)

### مشارکت اجتماعی

واژه مشارکت در لغت‌نامه‌های فارسی به معانی متفاوتی هم چون باهم شریک بودن، شرکت کردن باهم (عمید، ۱۳۶۴: ۱۸۰۷) شراکت، انبازی، حصه‌داری و بهره‌برداری (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲۷۱۵) به کار رفته است این واژه با واژگان همکاری، خودیاری، دگریاری قرابت معنایی دارد. مشارکت در اصلاح به معنای هم دست شدن در کار و اجتماع پیرامون یک امر می‌باشد (محسنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۹) و مشارکت اجتماعی حضور نسبتاً پایدار و در صورت لزوم عناصر سازنده جامعه شامل افراد، گروه‌ها، اجتماعات، نهادها و سازمان‌ها در فرایند امور و فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد (قیصری، ۱۳۹۸: ۳۱) و هم‌چنین گفته شده مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (مهدوی و رحمانی خلیلی، ۱۳۸۷: ۵)

جامعه‌شناسان مشارکت اجتماعی و زندگی فعال اجتماعی را مهم‌ترین عامل شادکامی می‌دانند (دریکوندی، ۱۳۸۱: ۷۱) به طوری که ایجاد رابطه سالم اجتماعی همراه با اعتماد، همکاری، صداقت و احترام متقابل، زمینه‌های ایجاد و تثبیت مثبت‌اندیشی و احساس ارزشمندی در افراد را به وجود می‌آورد که پیامدهایی چون امیدواری، خوش‌بینی، رضایت‌مندی، اطمینان خاطر در فرد و به طور کلی احساس شادکامی را در افراد جامعه می‌آفریند. (هاشمیان فر، ۱۳۸۶: ۱۶۳) شادکامی افراد یک جامعه ارتباط تنگاتنگی با مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی دارد. از سویی مشارکت اجتماعی دارای دو بعد است:

(الف) مشارکت اجتماعی رسمی مانند عضویت در سازمان‌ها، باشگاه‌ها و انجمن‌ها؛  
(ب) مشارکت اجتماعی غیررسمی، مانند ارتباط با دوستان، همسایگان، خویشاوندان و همکاران.

تحقیقات در این زمینه نشان داده‌اند که وجود تعاملات و مشارکت‌های اجتماعی، چه در اجتماعات رسمی و چه در اجتماعات غیررسمی، احساس رضایت از زندگی، حمایت از سوی دیگران و تعلق به گروه را افزایش می‌دهد که همه اینها در ایجاد نشاط در افراد بسیار مهم هستند. (دریکوندی، ۱۳۸۱: ۷۱)

در حکومت عصر ظهور مشارکت اجتماعی در قالب، بیعت، شورا، تعاون و همکاری، به پا داشتن نمازهای جمعه و جماعات، امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت خمس و زکات و یاری رساندن به دیگران خواهد بود. چنان‌چه که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الذین إن مکهم فی الارض اقاموا الصلوه وءاتوا الزکوه وءامروا بالمعروف و نهوا عن المنکر﴾ (حج: ۴۱)؛

همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیم نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند پایان همه کارها از آن خداست.

در جامعه توحیدی مهدوی که اوامر الهی نصب العین جامعه خواهد بود. این دستور خداوند «در راه نیکی و پرهیزکاری به هم‌دیگر کمک کنید»<sup>۱</sup> تبلور بارزی خواهد داشت. در روایتی در وصف مشارکت اجتماعی در حکومت امام عصر، در راستای تعاون و در قالب پرداخت زکات، رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

هنگامی که حضرت مهدی ظهور کند سرمایه‌ها و زکات‌ها را در کوچه می‌ریزند و کسی

۱. «تعاونوا علی البر و التقوی» (مائده: ۲).

پیدا نمی‌شود که آنها را دریافت کند. (مقدسی شافعی، ۱۴۲۴: ۶۶)

این روایت دال بر آرامش و احساس امنیت و غنا و بی‌نیازی در جامعه می‌باشد که آسیب‌های اجتماعی مثل دزدی، فقر، در جامعه نمی‌باشد و نشانه توحیدگرایی، عدالت حاکمان، فعالیت اقتصادی مردم، مشارکت اجتماعی مردم با هم و حاکمیت جامعه در تأمین نیازهای جامعه و رفع آسیب‌های اجتماعی می‌باشد.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

يصدع شعبا ويشعب صدعا؛

او جمعیت گمراه و ستمگر را پراکنده نموده و حق‌جویان پراکنده را دور هم گرد می‌آورد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰)

از این‌که حق‌جویان به دور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه جمع می‌شوند و مجرمان و ستمگران احساس ناامنی می‌کنند نه تنها دلالت بر عدالت‌محوری حکومت وقت می‌کند بلکه این وحدت همگانی حق‌جویان نشانه مشارکت عموم مردم در موفقیت این حاکمیت در اهدافش می‌باشد که مقبولیت عمومی دال بر مشارکت مردم در تدبیر امور جامعه و موفقیت حاکمیت می‌باشد.

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

فوالله لکأنی انظر الیه بین الرکن والمقام یبایع الناس بأمر جدید و کتاب جدید و سلطان جدید من السماء؛

به خدا سوگند گویی به او می‌نگرم که در میان رکن و مقام از مردم به امری نوین و فرمانی جدید و نظامی تازه از آسمان (نظام الهی) بیعت گیرد. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۶۲)

این روایت نشان می‌دهد که مردم در اقدامی عمومی و مشارکت همگانی با حضرت بیعت می‌کنند چون مشارکت نشانه مقبولیت مردمی حاکمیت می‌باشد، همین نشانه بیعت با امامت می‌باشد (که مصداق کاملی از مشارکت اجتماعی خواهد بود) بر اساس تحلیل سیاسی و جامعه‌شناسی تا وقتی مردم حاکمیت را همراه خود و مطابق اهداف خود می‌دانند، نه تنها ناراضی نیستند تا دست به شورش و انقلاب برای تغییر حاکمیت بزنند بلکه احساس سعادت و شادکامی نموده و خودشان را مکلف می‌دانند تا موانع و نواقص موجود را بر طرف نموده و در رسیدن به آرمان‌ها و اهداف والا تلاش بکنند و عاشقانه مانند زنبور عسل، پروانه وار دور حضرت خواهند بود و حضرت را مانند مادری مهربان و دلسوز برای خود و جامعه خواهند دید و در امور جامعه

به حضرت یاری می‌رسانند.

### احساس امنیت اجتماعی

امنیت در لغت فارسی به ایمن شدن، در امان بودن و عدم بیم (معین، ۱۳۸۶: ۳۱۲) اطمینان خاطر یافتن و برطرف شدن ترس و بیم آمده است (بند ریگی، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۳) و در لغت عربی به آرامش نفس و از بین رفتن ترس معنا شده است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۵) امنیت اجتماعی در اصطلاح به توانایی جامعه برای حفظ هویت، منافع و ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدها و نیز توانایی ارتقای وضعیت اجتماعی به سمت ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه گفته می‌شود. (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۳۷) احساس امنیت عبارت است از احساس آزادی نسبی از خطر (مالی، جانی، فکری و جمعی) که این وضع خوشایندی در افراد جامع ایجاد می‌کند که فرد در آن دارای آرامش جسمی و روحی می‌شود. (رجبی پور، ۱۳۸۴: ۹۳)

احساس امنیت اجتماعی از دیگر عوامل شادکامی اجتماعی می‌باشد که نقش ویژه‌ای در رضایت از زندگی و سعادت و خوش بختی خواهد داشت اگر تمام اسباب و عوامل خوشبختی و شادکامی فراهم باشد اما امنیت در یکی از ابعادش وجود نداشته باشد زندگی برای انسان رنج‌آور و همراه با احساسات منفی خواهد بود.

احساس امنیت فرایند روانی و اجتماعی است که صرفاً بر افراد تحمیل نمی‌شود بلکه اکثر افراد جامعه بر اساس نیازها، علایق، خواستارها و توان‌مندی‌های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارند. آنتونی گیدنز ادعا می‌کند که نیاز به داشتن احساس امنیت یا پرهیز از اضطراب در روابط اجتماعی نه یک پدیده شناختی بلکه یک پدیده عاطفی است که در ناخودآگاه انسان ریشه دارد و او آن را امنیت وجودی می‌نامد. گیدنز معتقد است مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده است اما در عین حال خطرات و ناامنی‌های دیگری را جایگزین ساخته است از جمله عوامل تهدیدکننده شادکامی از نظر گیدنز، تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از صنعتی شدن، جنگ، متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی و احساس ناامنی و اضطراب وجودی است. (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۰) ناامنی در رفتارهای ضد اجتماعی و انزواگرایانه، خود را نشان خواهد داد و صفات نیک انسانی، مانند اعتماد متقابل، اجتماعی بودن، آماده کمک به دیگران بودن، احساس تعلق به یک محله و اجتماع و رضایت از این تعلق را از بین می‌برد (کلمنت و کلیمن، ۱۹۷۷؛ نقل از علیزاده اقدام و



همکاران، ۱۳۹۲: ۴) که اینها نقش زیادی در سلب آرامش و شادکامی دارند چرا که عدم امنیت با حالات هیجانی نامطبوع و بروز اختلال همراه خواهد بود که باعث می‌شود مقداری از توان زیست‌شناختی و روان‌شناختی فرد صرف مبارزه با آن شود. وجود ناامنی هیجان نامطلوبی است که در ردیف فشارهای روانی آسیب‌زننده قرار می‌گیرد به طوری که نداشتن ترس و بیم در زندگی و وجود امنیت برای بشر از چنان جایگاهی برخوردار است که بدون آن هیچ فعالیتی ممکن نخواهد بود. آن چنان که مازلو که رضایت و شادکامی را مساوی با تأمین نیازها می‌داند، دومین نیاز اساسی انسان را بعد از آب و غذا، نیاز به امنیت می‌داند. تأمین این نیاز اساسی، سطح شادکامی را بالا می‌برد. احساس ناامنی عوارض و ضایعات روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی به دنبال دارد. تأثیرات روان‌شناختی گسترده‌ای شامل اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و عدم خرسندی و رضایت از زندگی، که باعث سلب آرامش و شادکامی در زندگی خواهند شد. (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۳: ۴)

این نعمت گران‌سنگ در حکومت فاضله مهدوی در حد اعلای خود وجود خواهد داشت چرا که عوامل چنین امنیتی موجود خواهد شد و تمامی عوامل ناامنی برچیده می‌شود. از جمله آنها ایمان به خدا است که در سایه آن انسان به آرامش خاطر خواهد رسید همانا با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.<sup>۱</sup> در حکومت واحد جهانی امام عصر، با برچیده شدن همه حکومت‌های باطل، گسترش عدالت اجتماعی، شکوفایی اقتصادی و شکوفایی علم و دانش و عقل بشری امنیت ایجاد خواهد شد.

امام باقر علیه السلام در وصف امنیت در حکومت امام عصر علیه السلام می‌فرمایند:

لوقام قائمنا لانزلت السماء قطرها .. واصطلحت السباع والبهائم حتى تمشي المراءه بين العراق والشام لاتضع قدميها الا على نبات و على رأسها زنبيلها لايهيجها سبع ولا تخافه؛

آن زمان که قائم ما قیام کند آسمان باران خود را فرو می‌ریزد و زمین گیاهان خود را بیرون می‌دهد و درندگان و حیوانات اهلی در کنار هم زندگی می‌کنند تا آن جا که زن از عراق تا شام راه می‌پیماید و هر جا قدم می‌نهد قدم بر سبزی و نباتات می‌گذارد در حالی که زنبیل بر سر دارد در این مسیر هیچ درنده‌ای به او آسیب نمی‌رساند و او نیز از درنده‌ها هراسی به خود راه نمی‌دهد. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۱۵)

۱. ﴿الابذکر الله تطمئن القلوب﴾ (رعد: ۲۸).

در روایتی دیگر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

حَتَّى تَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ؛

(چنان امنیت از شرق تا غرب عالم را گرفته) که پیرزن ناتوان از شرق حرکت کرده می‌خواهد به غرب برود و هیچ‌کس مزاحم او نمی‌شود و خطری او را تهدید نمی‌کند. (بحرانی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۶۸۹)

این روایات به نکات عمیق و ژرفی در خصوص امنیت در حکومت حضرت پرداخته‌اند. این روایات زن را به جای مرد آورده‌اند که نهایت درجه امنیت جامعه را می‌رساند چون خطر و تهدیداتی که بر زن‌ها وارد می‌شود بیش از مردهاست. مثال به عراق و شام، یعنی امنیت کامل در همه جای حکومت حضرت حجت حاکم می‌شود. کنار هم زیستن حیوانات درنده و حیوانات اهلی و آزار نرساندن حیوانات درنده به انسان‌ها و حیوانات اهلی و نترسیدن انسان‌ها از آنها، نشان از برقراری امنیت بی‌نظیر در کره خاکی دارد. نه تنها برای انسان‌ها امنیت برقرار است که برای حیوانات و سایر موجودات نیز امنیت برقرار می‌باشد.

نامنی در همه حوزه‌های اجتماعی و فردی و روانی خود همراه با استرس و اضطراب خواهد بود در مقابل امنیت برای انسان آرامش خاطر و سیکنه در پی خواهد داشت که نقش زیادی در ایجاد شادکامی خواهد داشت که این مهم با تمام ابعادش در حکومت ولی عصر محقق خواهد شد.

### اعتماد اجتماعی

اعتماد در لغت به معنای تکیه کردن، متکی شدن به کسی و کاری را بی‌گمان به او سپردن است (عمید، ۱۳۶۴: ۱۸۸) و در اصطلاح یعنی حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه، به عبارت دیگر اعتماد اجتماعی یعنی قابلیت تشخیص برای اتکا یا اطمینان به صداقت یا صحت اقوال یا رفتار دیگران است. (زارع شاه آبادی، نوریان نجف، ۱۳۹۱: ۴۸)

اعتماد عمومی یکی از عناصر مهم در ایجاد شادکامی اجتماعی و از متغیرهای مهم سرمایه اجتماعی می‌باشد که خود آن متأثر از متغیرهای هم‌چون اخلاق عمومی جامعه، احساس امنیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، روحیه نوع دوستی، و پای بندی دینی می‌باشد. (هزار جریبی و صفری شال، ۱۳۸۸: ۲) که ارتقای آن در قالب گسترش صداقت، وفاداری، حسن نیت، وفای به عهد و ثبات در اندیشه خواهد بود. (رجبی فرجاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱) هر چه میزان اعتماد میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی بیشتر باشد به همان اندازه روابط

اجتماعی از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود و به دنبال آن رضایت از زندگی اجتماعی بیشتر خواهد شد در مقابل عدم وجود اعتماد عمومی، موجب ازدیاد تنش و ناامنی در جامعه می‌شود. به قول باتامور، نبود اعتماد روابط دو سویه را پر سوء ظن تیره و بحران زا می‌گرداند. (محرابی، ۱۳۸۷: ۴۳) پاکستان استدلال می‌کند که اعتماد مفهومی چند بعدی است و مرکب از اعتماد به افراد و اعتماد به نهادهاست. به طور کلی یافته‌های تحقیقات از تمایز این دو نوع اعتماد حمایت می‌کند و بین هر دو نوع اعتماد با به‌زیستی (خوش‌بختی) و شادکامی رابطه مثبتی وجود دارد. (امیر کافی و زارع، ۱۳۹۱: ۹۲)

امام عصر، الگویی از ارزش‌ها و رفتارهای انسانی و فطری برآمده از معرفت توحیدی را به جامعه عرضه می‌کند و از این راه نظام ارزشی جوامع را دگرگون می‌سازد و به سمت ارزش‌های الهی سوق می‌دهد. تکیه بر این نظام ارزشی و پای بندی به آن، نشانه شادکامی و رضایت مردم از حاکمیت و وضع موجود می‌باشد و لازمه آن اعتماد مردم به حکومت و جلوگیری از سوء ظن و بدبینی به حکومت می‌باشد که در آیه «از گمان‌های بد درباره دیگران بپرهیزید»<sup>۱</sup> از بدبینی در اجتماع نهی نموده که اعتماد در بین مردم را ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌کند. در واقع دینداری باعث تقویت اعتماد اجتماعی می‌شود. (مرادی و هزار جریبی، ۱۳۹۸: ۱۵) در حکومت امام عصر مردم آموزه‌های دینی و صفات اخلاقی را چنان می‌آموزند و در وجودشان اجرا می‌کنند که اعتماد به هم‌دیگر به بالاترین سطح خود می‌رسد به طوری که همدیگر را محرم و دوست صمیمی خود به حساب می‌آورند و متغیرها و عوامل اعتماد عمومی در جامعه پررنگ خواهد بود. امام باقر علیه السلام اعتماد عمومی را در آن زمان چنین به تصویر می‌کشد:

أَقِي الرَّجُلَ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ؛

در آن دوران هر نیازمندی از جیب برادرش به مقدار نیاز خود برمی‌می‌دارد و برادرش نیز جلوگیری نمی‌کند. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۵، ۱۲۱)

در وصف صداقت و اخلاق عمومی جامعه در حکومت امام عصر، رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم

می‌فرماید:

بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكَذِبَ يُذْهِبُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَبِهِ يُخْرَجُ ذُلُّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ؛

خداوند به وسیله او دروغ و دروغ‌گویی را ریشه‌کن می‌کند خوی درندگی و ستیزه‌جویی را از بین می‌برد و طوق ذلت و بردگی را از گردن شما برمی‌دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج

۱. «اجتنبوا كثيرا من الظن» (حجرات: ۱۲).

حضرت با حاکم کردن ارزش‌های اسلامی و تعلق عمومی مردم به امام عصر که مانند زنبور عسل او را احاطه می‌کنند انسجام اجتماعی را در جامعه ایجاد خواهد کرد چنانچه که امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

لا یكون ملك الا للاسلام و تكون الارض کفاتور الفضة؛  
در زمان قائم ما حکومت و ملکی جز اسلام باقی نمی‌ماند و زمین هم چون نقره خالص می‌شود. (سید بن طاووس، ۱۳۸۰: ۶۴)

در باب نوع دوستی خداوند بوسیله آن حضرت رأفت و رحمت «والقی رأفه و رحمه بینهم» را در بین مردم ایجاد می‌کند و مردم یار و غم‌خوار هم خواهند بود، چنانچه که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ذا قام قائمنا، وجب علیهم ان یجهزوا اخوانهم و یقووهم؛  
زمانی که قائم ما قیام کند برهمگان واجب است یکدیگر را یاری رسانند و به هم کمک و پشتیبانی کنند. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۸، ۴۱۴)

حکومت جهانی حضرت ولی عصر باعث فراگیری، همگانی، تعمیق و تقویت باورهای و ارزش‌های الهی می‌شود. تثبیت این ارزش‌ها، اعتماد عمومی را عمق می‌بخشد. همان‌طور که ذکر شد تعمیق اعتماد عمومی باعث کاهش و از بین رفتن تنش اجتماعی و در نتیجه بالا رفتن شادکامی اجتماعی می‌شود.

### عدالت اجتماعی

عدل از نظر لغت به معنای میانه روی، درستی، مساوات، برابری، کار میانه و راست ایستادن می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۸۳) عدالت اجتماعی به معنای رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در ساحت اجتماع است و مبتنی بر احوال و افعال اعضای جامعه است و مرتبت (جایگاه) هر کس بنابر استحقاق و استعداد او تعیین می‌شود. (بیات، ۱۳۹۰: ۳۱۰)

عدالت خواهی از گرایش‌های فطری انسان است و انسان‌ها بر طبق همین خواسته دنبال گسترش عدالت در جامعه هستند و اگر احساس کنند عدالت در مورد آنها اجرا نمی‌شود، احساس می‌کنند به آنها ظلم شده و مورد بی‌مهری واقع شده‌اند و همین باعث بوجود آمدن احساسات منفی و ناخوشایند در انسان خواهد شد. چرا که عدالت اجتماعی به شهروندان نشان می‌دهد

که برای سیستم ارزش دارند برای جوامع خود اهمیت دارند. این احساس اهمیت و ارزشمند بودن برای جامعه، در به‌زیستی روان‌شناختی و سلامت روان فرد و مجموعه افراد درون اجتماع بسیار مهم است. از سوی دیگر، عدالت اجتماعی باعث ایجاد اعتماد عمومی بیشتر به موسسات و جوامع می‌شود و این به نوبه خود باعث بهبود روابط ما به عنوان شهروند با دیگران می‌شود و باعث کاهش تعصب فردی و گروهی و اقدامات متعصبانه و انتقام‌جویانه در جامعه می‌شود. زیرا افرادی که استرس کمتری دارند نیاز کمتری به یافتن قربانی برای مشکلات خود دارند و جامعه‌ای که در آن افراد و گروه‌ها حس بازنده بودن ندارند گرایش بیشتری به همکاری و همیاری برای توسعه جمعی دارند. انرژی درونی افراد صرف منازعات بی‌نتیجه و کنش‌های پرخاش‌گرانه و انتقام‌جویانه نمی‌شود، بلکه در راستای هدف مشترک ارتقای سطح رشد اجتماع می‌تواند به کار گرفته شود. در واقع هرچه تضاد طبقاتی و اختلاف در میزان بهره‌مندی از مواهب مادی و فرصت‌های اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، فرد در انتهای مسیر مقایسه خود با دیگران احساس بدتری دارد. فرد راه‌های میان‌بر خطرناکی را برای رسیدن به رضایت از زندگی انتخاب می‌کند که همین نشان می‌دهد هرچه سطح عدالت اجتماعی بالاتر باشد شادکامی اجتماعی رتبه بهتری خواهد داشت. (Sutie, 2020)

تدگار، شادکامی را در عدالت اجتماعی و برابر یا برتر دانستن شخص، موقعیت خود را در جامعه می‌داند. بر اساس این دیدگاه شخص خود را با دیگران مقایسه می‌کند و دوست دارد شرایط مشابه با آنها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست دچار احساس محرومیت نسبی شده و این امر باعث بروز نارضایتی و احساس کسالت و عدم شادکامی در دو سطح فردی و اجتماعی می‌شود. (تدگار، ۱۳۷۳؛ نقل از رسولی، ۱۳۹۶: ۴۰)

در حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه هیچ ویژگی به اندازه عدالت مورد توجه نیست و آن قدر که در روایات بر ویژگی عدالت‌گستری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه تأکید شده است بر سایر مسائل چنین تأکیدی نشده است.

در روایت متواتری که هم اهل سنت و هم شیعه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند آن حضرت عدالت‌گستری را یکی از ویژگی‌های عصر ظهور بر شمرده است. (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۲۸۷)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

شما را به مهدی بشارت می‌دهم او در زمانی که مردم گرفتار اختلاف، درگیری و

آشوب‌ها هستند، در امت من برانگیخته می‌شود و جهان را از عدالت و برابری پر می‌سازد، هم‌چنان‌که از ظلم و ستم پر شده بود. (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۳، ۶۷)

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

إذا قام القائمُ حكم بالعدل وارتفع الجور في أيامه وامننت به السبل وخرجت الأرض  
بركاتها، ورد كل حق إلى اهله؛  
هنگامی که قائم قیام کند به عدالت حکم خواهد کرد ظلم و جور برطرف خواهد شد  
راه‌ها امن می‌شود و زمین برکات خود را خارج می‌کند و هر حقی را به اهلسش بر  
می‌گرداند. (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۸۵)

امام صادق علیه السلام گستره عدل مهدوی را در جمله‌ای بسیار زیبا این‌گونه بیان می‌کند:

اما والله ليدخلن (القائم) عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقريبه؛  
خدا سوگند! عدالت او در داخل خانه‌هایشان به آنها می‌رسد، همان‌گونه که سرما و  
گرما به داخل خانه‌هایشان نفوذ می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۶۱)

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام فرمودند:

لويق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله (عزوجل) ذلك اليوم حتى يخرج رجل من ولدى  
فيملها عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما، كذا لك سمعت رسول الله يقول؛  
اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی گرداند تا مردی از  
فرزندان من خروج کند، پس زمین را از عدل و داد پر کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم  
پر شده باشد. (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱، ۳۱۸)

عدالت مهدوی چنان شادکام آفرین است که در ذیل آیه ۱۷ سوره حدید،<sup>۱</sup> امام کاظم علیه السلام در  
تأویل و تطبیق این آیه می‌فرمایند:

قال في قول الله عز وجل يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَالَ لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَ لَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ  
رَجَالًا فَيُحْيُونَ الْعَدْلَ فَتُحْيَا الْأَرْضُ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ وَ لِأَقَامَةِ الْحَدِّ اللَّهُ أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ  
الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛

زمین پیش از تحقق عدالت مرده و بی‌جان است و با برقراری آن زنده می‌گردد و  
حیات می‌یابد. زمین را با باران زنده نمی‌کند، بلکه خداوند عزوجل مردمی را می‌فرستد  
که عدل را زنده می‌کنند و زمین با احیاء عدل و با اقامه حد زنده می‌شود. و این حیات

۱. «واعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها».

و زنده شدن، سودمندتر از چهل روز باران است. (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۷، ۱۷۴)

## دین‌داری

دین‌داری یا اعتقاد و التزام به یک وجود فراطبیعی که علیم و حکیم و رحیم است و بر اساس علم و حکمت تکالیف و حقوق انسان را مشخص می‌کند از عوامل مهم شادکامی می‌باشد.

دورکیم می‌گوید:

دین در افراد حس وظیفه‌ای اخلاقی ایجاد می‌کند که از طریق آن، آنها را به تبعیت از خواسته‌های اجتماعی وادار می‌کند. (همیلتون، ۱۳۸۷: ۱۷۵)

هری آلپرت که یکی از شارحان آثار دورکیم است می‌نویسد کارکردهای دین از نظر دورکیم را می‌توان چهار گروه قرار داد:

انضباط بخش و آماده‌ساز، انسجام بخش، حیات بخش و خوش‌بختی بخش (وقتی مردم احساس انضباط و انسجام با هم را داشته باشند نه تنها دلالت بر رضایت از این انضباط و انسجام دارد بلکه مقدمه برای رسیدن به اهداف والای فردی و اجتماعی در سایه این انسجام می‌باشد که ایجاد تحرک و حرکت به سوی هدفی را به همراه دارد، بنابراین انسجام و انضباط از نظر روان‌شناسی نشانه آرامش روحی و سلامت روانی می‌باشد و هم‌چنین در علم جامعه‌شناسی نشانه موفقیت جامعه و سلامت اجتماعی و قانون‌مداری و متمدن بودن آن جامعه می‌شود. (کوزر، ۱۳۸۲؛ نقل از سراج‌زاده، ۱۳۹۲: ۵)

بر اساس نظریه هری آلپرت در شرح نظریه دورکیم که برای دین چهار کارکرد بیان نموده است خود حیات بخشی و احساس خوش‌بختی از نشانه‌های بارز سعادت که بیان‌گر لذت مستمر و دایم می‌باشد بوده و این همان شادکامی جامعه می‌باشد.

مناسک دینی به افراد انضباط شخصی و زهدگرایی که از ضروریات زندگی اجتماعی است می‌آموزند و به این ترتیب آنان را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کنند. مراسم دینی مردم را گرد هم جمع می‌کند و از این رو پیوندهای مشترک آنها را تثبیت و انسجام اجتماعی را تقویت می‌نماید. از طریق مراسم دینی اعضای جامعه از میراث اجتماعی خود عمیقاً آگاه می‌شوند و اصلی‌ترین عناصر وجدان جمعی زنده می‌ماند. سرانجام این‌که، دین در پیروانش احساس خوش‌سعادت و خوش‌بختی اجتماعی را به وجود می‌آورد و در نتیجه احساس ناکامی، بی‌ایمانی و تردید را از دل آنان می‌زداید. فایده بی‌نهایت ارزشمند مراسم و مناسک دینی برای

هر گروه این است که پی آمدهای مخرب اضطراب و شکست و ناکامی را، که همه افراد و جوامع در معرض آن هستند کاهش می‌دهد. (همان) این نشانه شادکامی و رضایت‌مندی مردم از زندگی در آن جامعه می‌باشد. (کوزر، ۱۳۸۲؛ نقل از سراج‌زاده، ۱۳۹۲)

دین‌داری و تبعیت و بندگی خداوند به صورت عمومی و گسترده در حکومت امام عصر در کل عالم فراگیر خواهد شد و آثار و پیامدهای آن که سکینه و آرامش عمومی خواهد بود بر کل عالم سایه خواهد افکند. رسول گرامی اسلام در توصیف دینداری در عصر ظهور می‌فرماید:

ما علی ظهر الارض بیت حجرو مدار إلا ادخله الله کلمه الاسلام؛

در تمام روی زمین خانه‌های سنگی برای ثروتمندان و خانه‌های گلی فقرا و چادرها باقی نمی‌ماند جز کلمه «الا إله إلا الله» در آنها خواهد بود و شرک برچیده خواهد شد. (قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۲، ۳۰۰)

در جایی دیگر امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿و له اسلم من فی السماوات و الارض طوعا و کرها﴾ فرمود:

وقتی قائم قیام کند هیچ سرزمینی نخواهد ماند که در آن بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله شنیده نشود. (عباشی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۸۳)

این روایات به روشنی عمق و گستره دین‌داری در حکومت امام عصر را نشان می‌دهند در نتیجه این ایمان و دینداری توکل و اعتماد به خداوند جاری می‌باشد و مردم حوادث و اتفاقات ناخوشایند را هم در ساختار فرهنگ و حکمت توحیدی شیرین و لذت‌بخش می‌دانند لذا چیزی که باعث شود شادکامی جامعه و افراد آن را بهم بزند، وجود ندارد.

### تأمین نیازها

روان‌شناسان می‌گویند: تأمین نیازها بر روی شادکامی تأثیر زیادی دارد. به این شکل که ارضای نیاز در بین افراد با پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر بیشتر از افراد با توان اقتصادی اجتماعی پایین‌تر است و با بالا بودن میزان ارضای نیاز در نزد دیگران میزان شادکامی نیز بالا خواهد بود. (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۶۲) نظریه سلسله مراتب مازلو بر همین مساله تأکید می‌کند. او می‌گوید: افرادی که نیازهای اقتصادی آن‌ها برآورده شده است و به مرتبه دوم رسیده‌اند در واقع مرحله‌ای از نگرانی و دل‌مشغولی را پشت سر گذاشته‌اند و به گفته استرلین شادمانی کلی فرد به فاصله کم بین آرزوها و سطح دست‌یابی در هر کدام از حوزه‌های زندگی (درآمد زندگی خانوادگی و شغل) ارتباط دارد و زمانی که نیاز سوم در ما پیدا می‌شود که



نیاز دوم رفع شده باشد. که در مرحله سوم نیاز به احترام از خود و دیگران است در این مرحله افراد هم خود را دوست دارند و هم دیگران را، در واقع از نشانه‌های افراد با نشاط و شاد این است که هم بتوانند دوست بدارند و هم مورد عشق ورزی و احترام قرار گیرند. مرحله خودشکوفایی همان سعادت و خوشبختی و شادمانی درونی پایدار است که در آخرین پله نیاز قرار دارد و در واقع رسیدن به این قله، مرحله‌ای است که فرد به قابلیت‌ها و خواسته‌ها و انتظارات مطلوب و معقول خود رسیده است و آنجاست که لذت پایدار تجربه می‌شود.

فراوانی نعمت و غنا مالی و بی‌نیازی جامعه در حکومت امام عصر از ویژگی‌های است که روایات زیادی بر آن تاکید کرده‌اند و هم‌چنین در سایه رشد عقلانی و فکری جامعه، غنای روحی نیز در جامعه حاکم خواهد شد و حرص و طمع از بین خواهد رفت که این تاثیر بسیاری عمیقی بر شادکامی خواهد گذاشت چرا که افراد در پی مقایسه خود با دیگران و مصرف زیاد نخواهند بود تا دچار احساسات منفی شوند. این مهم از روایاتی که در وصف عصر ظهور وارد شده به خوبی روشن می‌گردد. ابوسعید خدری از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره رفاه اقتصادی عصر ظهور نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

تنعم امتی فی زمن المهدی نعمه لم یعموا مثلها قط؛ ترسل السماء مدرارا، و لاتزرع الارض شیئا من النبات الا اخرجته و المال کدوس؛ یقوم الرجل فیقول: یا مهدی اعطنی، فیقول: خذ.

امت من در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه آن چنان از نعمت‌ها بهره‌مند می‌شوند که هرگز نظیر آن دیده نشده است، آسمان نزولات خویش را مرتب بر آنها نازل می‌کند و زمین همه ظرفیت‌های خودش را می‌رویاند و مال و ثروت به قدری فراوان می‌شود که هر کس بگوید: یا مهدی بر من عطا کن می‌فرماید: بگیر. (ابن حماد، ۱۴۲۴: ۲۴۶)

با این وصف رفاه و بی‌نیازی همگان را فرا خواهد گرفت و در نتیجه دیگر کسی پیدا نمی‌شود تا محتاج صدقه باشد. در آن هنگام، زمین گنجینه‌های خود را برای او آشکار می‌سازد و برکت‌هایش را بیرون می‌فرستد، دیگر انسان برای صدقه و بخشش محلی پیدا نمی‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۳۹)<sup>۱</sup>

به عبارتی دیگر در عصر ظهور کلیه نیازهای انسان‌ها و مخلوقات تأمین می‌شود که این تأمین نیازها نقش بسزایی در ایجاد رضایت از زندگی و شادکامی دارد، (چون احساس عدم نیاز

۱. فحینئذ تظهر الأرض له کنوزها و تبدی برکاتها حتی لا یجد الرجل منکم موضعا لصدقته و لا لبرته.

یک حالت درونی است و اصطلاح قناعت یا قانع بودن در اخلاق بیان گر همین احساس است و مربوط به بینش و انگیزش و عواطف انسان است زیرا ممکن است مقدار ثروت ظاهری کم باشد ولی انسان احساس نیاز نکند. در نتیجه نیازهای روحانی، روان شناختی، مادی و جسمانی انسان، به طور شایسته تأمین خواهد شد) در واقع حضرت با اجرای نظام توحیدی و تکامل عقلی و اخلاقی جامعه این مهم را محقق خواهد کرد.

البته باید این را متذکر شد یکی از مهم ترین عوامل شادکامی و سعادت نوع بینش و شناخت افراد نسبت به وضعیت موجود و هم چنین نوع انگیزش ها و عواطف درونی انسان ها نسبت به وقایع عالم می باشد بنابراین وقتی جامعه توحیدی گردید در سایه متخلق شدن به کمالات اخلاقی و مکانیستم نظارتی الهی که آیه «الم يعلم بأن الله یری»<sup>۱</sup> (علق: ۱۴) بیان گر آن است، انسان هر لحظه خود را در محضر ذات اقدس الهی می بیند و خداوند را حاضر و ناظر بر اعمال خود می داند نه تنها توقعش از دیگران کمتر می شود هم چنین با انگیزه برتر و احساس تکلیف و رضایت مندی وظایف خود را انجام می دهد بلکه هرگز مرتکب اعمال ناشایست نسبت به دیگران نخواهد شد چون با عشق، ایثار، خدمت به هم نوعان که محبوب خداوند است سر لوحه کار خود قرار خواهند داد «الخلق عیال الله احب الخلق علی الله من نفع الی عیاله الله». (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲، ۶) از طرف دیگر، در سایه برکات فراوان مادی اقتصادی در حکومتش که زمین و آسمان برکات خود را بر جامعه نازل می کنند و اقناع روحی و از بین رفتن حرص و طمع نیازهای مادی و جسمانی انسان تأمین می گردد و در نتیجه انسان به شادکامی اجتماعی خواهد رسید.

#### امید به آینده

یکی از زمینه های اصلی و مهم در به وجود آمدن احساس شادکامی وجود امید نسبت به خود، زندگی و آینده است. احساس اضطراب یا نگرانی با عدم امید به آینده رابطه مستقیم دارد. امید به آینده، دست یافتن به هدف یا انتظار رسیدن به هدف می باشد. به گونه ای که «شو» تئوری امید را تئوری انگیزش نامیده است. (کمپل، ۱۹۸۱: ۲۳) در تئوری امید، شاخص هایی هم چون امیدواری به آینده، همراه با احساس امنیت و آرامش بدور از اضطراب و نگرانی و داشتن هدف برای زندگی آینده وجود دارد که زمینه ساز شادکامی در جامعه می شوند.

۱. آیا نمی دانست که خدا او را می بیند.

۲. مخلوقات خانواده خدا هستند محبوب ترین خلق در نزد خدا کسی است که نفع به خانواده خدا برساند.

امید از شاخص‌های بارز و برتر حکومت امام عصر و ریشه‌کن شدن یأس و ناامیدی در جامعه نسبت به زندگی و آینده جامعه است چرا وقتی جامعه به رشد و تکامل معنوی و ایمانی رسید دیگر جایی برای یأس و سوءظن نسبت به آینده نیست چرا که یأس و ناامیدی از شرک و کفر می‌باشد که در جامعه مهدوی جایی ندارد «جزء کافران هیچ‌کس از رحمت خدا ناامید نیست هر گز از رحمت خدا مأیوس مباشید که هرگز» (یوسف: ۸۷)<sup>۱</sup>

از طرف دیگر، همه عواملی که باعث ایجاد یأس در فرد و جامعه می‌شود در حکومت امام عصر از بین می‌رود عواملی هم چون برآورده نشدن نیازها، شکست‌های پی در پی، یک‌نواختی در زندگی، نداشتن عزت نفس، پایین بودن فعالیت‌های زندگی، نداشتن شغل مناسب (کاوی، ۱۳۸۰: ۹۱) و ظلم و تجاوزاتی که از سمت مستکبران بر جامعه وارد می‌شود. فلذا یکی از آثار و برکات وجود امام عصر این است که او نقطه اتکایی و امید برای بندگان است که وقتی در امور به مشکلی بر می‌خورند به حضرت پناه می‌برند و چنان‌چه که در آیه ۶۲ سوره نمل ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدْكُرُونَ﴾<sup>۲</sup> آمده است. مضطر واقعی امام عصر هستند. لذا وقتی ظهور کنند همان‌طور که در دوران غیبت امید ستم‌دیدگان هستند بعد از ظهور نیز تکیه‌گاه و نقطه عطف و امید جامعه خواهند بود. چرا که با ظهور و حکومت جهانی امام عصر تحول عمیقی در همه چیز دنیا اتفاق می‌افتد که ملت‌ها طعم ایمان و تقوی و عدالت و آرامش را می‌چشند. در واقع همه مولفه‌های امید به زندگی، که مستندات روایی آنها در قسمت‌های دیگر ذکر شد، اعم از رفاه عمومی، سلامت اجتماعی، اشتغال، دین‌داری و آرامش در حکومت امام عصر موجود خواهد شد.

### رضایت عمومی

لیبومیرسکی رضایت از زندگی را از مؤلفه‌های شادکامی در کنار داشتن احساسات مثبت و نبود احساسات منفی می‌داند. (لیبومیرسکی و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۱۲؛ نقل از نیکراهان و همکاران، ۱۳۹۸) خوش‌بختی و سعادت و بدبختی انسان تابع افکار و احساسات افراد می‌باشد. اگر در جامعه‌ای افراد احساس آرامش و رضایت‌مندی و مثبت‌نگری داشته باشند نه تنها بیان‌گر آرامش روانی فردی افراد و دور بودن آنها از عوامل اضطراب‌درونی مثل ترس، امید

۱. «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ».

۲. یا آن کس که درمانده بیچاره را اجابت می‌کند و رنج و غم آنان را برطرف می‌سازد و شما مسلمین را جانشینان اهل زمین قرار می‌دهد.

بی‌جا، غم، حزن و غیره می‌باشد؛ بلکه نشانه آرامش اجتماعی آن جامعه و به دور بودن از آسیب‌های اجتماعی آن جامعه می‌باشد و همین دلالت بر این می‌کند که از نظر بینشی و اندیشه آن جامعه بر اساس عقاید و اهداف افراد پیش می‌رود بنابراین به تمام معنا احساس خوشبختی و سعادت و رضایت‌مندی می‌کنند.

این مهم از دست‌آوردهای حکومت جهانی امام عصر می‌باشد زیرا همه عوامل مؤثر در رضایت مردم فراهم خواهد شد. پیشرفت در علم «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْتَثَّهَا سَبْعَةٌ وَ عَشْرِينَ حَرْفًا»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۶) و بالا رفتن عقلانیت «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ»<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۵) سطح فرهیختگی مردم، عدالت اجتماعی، احقاق حقوق مردم، رفاه اقتصادی، امنیت و استخدام کارگزاران عادل «يُفَرِّقُ الْمَهْدِي اصحابه في جميع البلدان و يأمرهم بالعدل و الاحسان و يجعلهم حُكَّامًا في الأقاليم و يأمرهم بعمران المُدن»<sup>۳</sup> (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۲۱۱) که تحقق مجموعه این عوامل رضایت عمومی از زندگی را به همراه دارد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در وصف رضایت عمومی حکومت حضرت می‌فرماید:

يرضى في خلافته اهل الأرض و اهل السماء و الطير في الجوى؛

از خلافت او ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در هوا خشنود می‌شوند. (اربلی،

۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۶۹)

این روایت به خوبی نشان می‌دهد که رضایت از حکومت آن حضرت و به تبع آن رضایت از زندگی شخصی منحصر به انسان‌ها نخواهد بود بلکه رضایت همه مخلوقات را به همراه دارد. بلکه حکومت جامع و کامل حضرت که مطابق با فطرت انسانی بر مبنای توحید می‌باشد زمینه‌ای برای ناراحتی و نارضایتی باقی نخواهد گذاشت که این موجب شادکامی عمومی در

۱. علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آن‌چه پیامبران آورده‌اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز به آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد، آن را بین مردم نشر و

گسترش می‌دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می‌سازد.

۲. چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و (تا پیروی هوس نکنند و با یک دیگر اختلاف نوزند) و در نتیجه خردشان کامل شود.

۳. اصحاب خود را در تمام شهرها متفرق می‌کند از آنها می‌خواهد که به عدل و احسان عمل کنند و آنها را حاکم مناطق می‌کند و دستور به آبادانی شهر می‌دهد.

جامعه خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

عوامل شادکامی اجتماعی به شکل کامل و مطلوب آن در نظام اجتماعی و حکومت جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الکریم محقق خواهد شد نظامی که مبتنی بر توحید می‌باشد و همه ارکان و اجزاء آن رنگ الهی و معنوی دارد که این خود عامل اساسی در ایجاد جامعه شادکام خواهد بود بر همین اساس مؤلفه‌های شادکامی، رضایت از زندگی، احساسات مثبت، نبود احساسات منفی و همه عوامل شادکامی اجتماعی موجود خواهد بود. وقتی جامعه الهی شد و انسان‌ها به بلوغ فکری و عقلی کامل رسیدن و فرهنگ جامعه رشید و بالنده شد و هویت مشترک براساس توحید به وجود آمد، بی‌توجهی به دیگران معنی ندارد همه انسان‌ها از آن جا که مخلوق خداوند و بنده او می‌باشند مورد قبول و پذیرش همگان قرار می‌گیرند. شورا، بیعت و اعمال عبادی جمعی از جمله نمازهای جمعه و جماعات، مشارکت در کارهای عام المنفعه مشارکت اجتماعی را بالا خواهد برد. از آنجا که در نظام توحید سوءظن به دیگران گناه و عصیان الهی شمرده می‌شود اعتماد اجتماعی پررنگ خواهد بود. در این نظام تجاوز و تعدی به جان، مال و نوامیس دیگران وجودش معنی ندارد امنیت اجتماعی حاکمیت مطلق دارد. عدالت و قسط شاخصه اساسی و بارز حکومت امام عصر خواهد بود و جامعه به عدالتی خواهد رسید که در تاریخ، بشریت به خود ندیده است. جامعه از حیث اقتصادی بی‌نیاز و غنی خواهد شد، زمین و آسمان برکات خود را بر انسان‌ها می‌ریزند و نیازمندی در جامعه باقی نخواهد ماند. تمامی نیازهای فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، روحی و روانی افراد جامعه تأمین خواهد شد و انسان‌ها هیچ خلأ و نیازی غیر از عبودیت و بندگی خداوند در خود احساس نخواهند کرد. زندگی فردی و اجتماعی در سایه حاکمیت نظام توحیدی، هیچ‌گونه نگرانی و یأس و ناامیدی نخواهد داشت و آینده برای آنها روشن و نویدبخش خواهد بود که این عوامل باعث رضایت عمومی از زندگی می‌شود جامعه مهدوی مساوی با جامعه سعادت‌مند و شادکام خواهد بود که آرزوی دیرینه بشر و همه انبیاء الهی بوده است.

### منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابراهیم‌زاده، بیت‌اله؛ آرام، هاشم؛ پناهی، بهنام (۱۳۸۹ش)، «بررسی نشاط اجتماعی و

- عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد پارس آباد مغان»، *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، شماره ۴.
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴. ابن حماد، نعیم ابو عبدالله (۱۴۲۴ق)، *الفتن*، قم: نشر مکتبه الحیدریه.
۵. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶ق)، *المسند*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۸۰)، *الملاحم والفتن*، تهران: نشر اسلامی.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (بی‌تا)، *سعد السعود*، نسخه دیجیتالی کتابخانه قائمیه.
۸. ابن فارس، احمد (۱۴۱۸ق)، *المعجم المقایس فی اللغة*، قم: انوار الهدی.
۹. ابن منظور (۱۴۱۳ق)، *لسان العرب*، بیروت: مکتب التحقیق التراث.
۱۰. احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۸۹ش)، «امنیت اجتماعی و هویت»، *مجله امنیت اجتماعی*، شماره ۳۲.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، تبریز: بنی هاشمی.
۱۲. ازکمپ، استوارت (۱۳۸۵ش)، *روان‌شناسی اجتماعی کارپرووی*، ترجمه: فرهاد ماهر، تهران: به نشر.
۱۳. امیرکافی، مهدی؛ زارع، بهنام (۱۳۹۱ش)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی»، *فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال دوم، شماره پنجم.
۱۴. آرگایل، مایکل (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی شادی*، ترجمه: مهرداد کلانتری و همکاران، اصفهان: نشر جهاد دانشگاهی.
۱۵. آهنچیان، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۶ش)، «تأثیر رهبری اخلاقی بر رضایت از زندگی و شادکامی با نقش میانجی رضایت شغلی»، *فصل‌نامه پژوهش‌های عمومی*، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
۱۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۷ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: دارالتفسیر.
۱۷. بزرگی، مرضیه؛ زارعان، زهره؛ زارعان، قدرت‌اله (۱۳۹۹ش)، «نقش رهبری تحول‌آفرین و رفتار شهروندی سازمانی در ایجاد شادکامی کارکنان سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان»، *ششمین همایش ملی تازه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر*، بندرعباس: بی‌نا.
۱۸. بندریگی، محمد (۱۳۹۵ش)، *المنجد*، تهران: نشر اسلامی.
۱۹. بیات، عبدالرسول (۱۳۹۰ش)، *فرهنگ واژه‌ها*، قم: نشر اندیشه و فرهنگ دینی.
۲۰. بیجنوند، فرامرز و همکاران (۱۳۹۳ش)، «بررسی رابطه مهارت تفکر انتقادی با کیفیت

- زندگی، سلامت روان، مقبولیت اجتماعی و قدردانی دانشجویان»، فصل نامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال ۲۱.
۲۱. پسندیده، عباس (۱۳۹۳ش)، *الگوی شادکامی اسلامی*، قم: دارالحدیث.
۲۲. جانجانی، پریسا و همکاران (۱۳۹۳ش)، «رابطه امنیت اجتماعی و سبک زندگی با کیفیت زندگی و شادکامی زنان شهر کرمانشاه»، *مجله تحقیقات بالینی در علوم پیراپزشکی*، سال سوم، شماره چهارم.
۲۳. چلبی، مسعود (۱۳۸۴ش)، *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری اجتماعی*، تهران: نشر نی، سوم.
۲۴. چلبی، مسعود (۱۳۸۸ش)، «بررسی جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح فرد و کلان»، *انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۲.
۲۵. حر عاملی، محمدبن حسین (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: آل‌البیت علیهم السلام.
۲۶. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. خسروی، زهره؛ چراغی، لیلا (۱۳۹۱ش)، «بررسی مقایسه‌ای تعهد اجتماعی، شادکامی و سلامت روان در دانش‌آموزان و دانشجویان با تأکید بر عامل جنسیت»، *فصل نامه علمی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، سال ۱۰، شماره ۱.
۲۸. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت: نشر بلاغ.
۲۹. دری‌کوندی، هدایت‌الله (۱۳۸۱ش)، *بررسی عوامل نشاط‌انگیز در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی پسرانه شهر اصفهان از نظر مدیران و مربیان پرورشی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، اصفهان: دانشکده علوم تربیتی.
۳۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰ش)، *فرهنگ متوسط دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی الفاظ القرآن*، بیروت: دار السامیه.
۳۲. رجبی فرجاد، حاجیه و همکاران (۱۳۹۳ش)، «نقش اعتماد عمومی در توسعه مشارکت شهروندان»، *فصل نامه مطالعات منابع انسانی*، سال چهارم، شماره ۱۴.
۳۳. رجبی‌پور، محمود (۱۳۸۴ش)، *درآمدی بر عوامل مؤثر بر احساس امنیت، کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس (مجموعه مقالات ۲)*، تهران: معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی.
۳۴. رسولی، مسلم (۱۳۹۶ش)، *بررسی میزان نشاط اجتماعی (شادکامی) در بین شهروندان شهر جوانرود و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور غرب

- تهران .
۳۵. زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ نوریان نجف، محمد (۱۳۹۱ش)، «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، *فصل‌نامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، دوره ۱، شماره ۱.
۳۶. زیبایی، نسری (۱۳۹۱ش)، *بررسی نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در ایلام*، پایان‌نامه ارشد، پیام نور تهران .
۳۷. سراج‌زاده، حسین و همکاران (۱۳۹۲ش)، «دین و سلامت: آزمون اثر دینداری بر سلامت در میان نمونه‌ای از دانشجویان»، *جامعه‌شناسی کاربری*، سال ۲۴، شماره اول .
۳۸. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۴ق)، *الحاوی للفتاوی*، بیروت: دارالفکر.
۳۹. شویره، کریستین؛ نونتن، اولیویه (۱۳۸۵)، *واژگان بوردیو*، ترجمه: مرتضی کتبی، تهران: نشر نی .
۴۰. طباطبایی‌نسب، مجتبی (۱۳۹۹ش)، «بررسی و تحلیل عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نشاط و شادی»، *فصل‌نامه رهیافت نوین در مطالعات اسلامی*، شماره ۳، سال دوم .
۴۱. علیزاده اقدم، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۳ش)، «بررسی رابطه بین شادکامی و احساس امنیت (ابعاد آن) در افراد»، *فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۸.
۴۲. عمید، حسن (۱۳۶۴ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: سپهر.
۴۳. عیاشی، محمدبن سعود (۱۳۶۳)، *تفسیر عیاشی*، قم: مطبعة العلمیه .
۴۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم: مؤسسه دارالهجره .
۴۵. فیلد، ژ. آهد (۱۳۷۴ش)، *روان‌شناسی و اخلاق*، ترجمه: علی پریور، تهران: انتشارات علمی فرهنگی .
۴۶. قرطبی، محمدبن احمد (۱۴۰۵ق)، *تفسیر قرطبی الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی .
۴۷. قمی مشهدی، میرزا محمد (۱۳۸۱)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، قم: دارالغدیر .
۴۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۷)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه .
۴۹. کورانی، علی (۱۴۱۱ق)، *معجم احادیث الامام المهدي*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، نسخه دیجیتال کتابخانه قائمیه .
۵۰. کاوی، شان (۱۳۸۰ش)، *هفت قدم در راه موفقیت نوجوانان*، ترجمه: ساناز قاسمی، تهران: نشر انجمن اولیاء و مربیان .



۵۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۵۲. مازلو، آبراهام اچ (۱۳۶۷ش)، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه: احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، تحقیق: یحیی العابدی، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۵۴. محرابی، علیرضا (۱۳۸۷ش)، *بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۵۵. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰ش)، «مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی»، *نشریه نامه علوم اجتماعی*، دوره ۲.
۵۶. محمدی منفرد، بهروز؛ کاکاوند، محمد (۱۳۹۹ش)، «شادی و نشاط در سبک زندگی منتظرانه و راهکارهای تحصیل آن»، *فصل‌نامه مطالعات مهدوی*، شماره ۴۹.
۵۷. مختاری، مرضیه؛ نظری، جواد (۱۳۸۹ش)، *جامعه‌شناسی کیفیت زندگی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۵۸. معیدفر، سعید (۱۳۸۵ش)، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: نشر نور علم.
۵۹. معین، محمد (۱۳۷۱ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: سپهر.
۶۰. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، *الارشاد*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۶۱. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۴ق)، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم: مسجد مقدس جمکران.
۶۲. ملکی‌راد، محمود؛ عبدی چاری، مرتضی (۱۳۹۶ش)، «دست‌آوردهای اجتماعی حکومت امام مهدی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۴۲.
۶۳. نصرتی نژاد، فرهاد و همکاران (۱۳۹۴ش)، «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی جوانان و میزان شادکامی آنان»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی و فرهنگی*، دوره چهارم، شماره ۲.
۶۴. هاشیمان‌فر، جمشید (۱۳۸۶ش)، *بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری‌های اجتماعی با تأکید بر سرمایه اجتماعی*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
۶۵. هزار جریبی، جعفر؛ صفری شال، رضا (۱۳۸۸ش)، «بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان»، *فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۰، شماره ۴.
۶۶. هزار جریبی، جعفر؛ صفری شال، رضا (۱۳۸۹ش)، «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی در استان مرکزی»، *فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*،

دوره دوم، شماره ۳.

۶۷. همیلتون، ملکم (۱۳۸۷ش)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.

68. Diener, E., & Seligman, M. E. (2002). Very happy people. *Psychological science*, 13(1), 81-84.

69. Campbell, A. (1981). *The sense of well-being in America: Recent patterns and trends*. New York: Mc Grow-Hill.

70. Lyubomirsky, S., Sheldon, K. M., & Schkade, D. (2005). Pursuing happiness: The architecture of sustainable change. *Review of general psychology*, 9(2), 111-131.

71. Sutie, Gill. *Greater Good: Would More Socioal Justic Make You Happier?*. California: University of Borokly, 14 Octobr.2020

